

چالش افشای دلایل محرمانه در مرحله تأیید اتهامات لوبانگو در رویه دیوان کیفری بین‌المللی؛ جلوهای از دستاوردهای حقوق بشری

جواد صالحی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۰۳ - تاریخ تأیید: ۹۶/۰۷/۳۰

چکیده

افشای دلایل محرمانه برای متهم به موجب ماده (۲) ۶۷ اساسنامه از تکالیف دادستان و از عناصر اساسی محاکمه عادلانه است. این امر باعث می‌شود تا متهم پیش از شروع مرحله تأیید اتهامات از دلایل محرمانه علیه وی مطلع و خود را برای دفاع در مقابل اتهامات خویش آماده کند. اما تأیید اتهامات، از موضوعات بدون تشریفات و ارزیابی استدلال‌های مطرح در دفاع از اتهامات و رعایت پیش شرط‌های آن نیست، تا اینکه شعبه مقدماتی بر اساس آنها نسبت به تأیید یا رفع اتهامات اقدام نماید. بر اساس مقررات ماده (۷) ۶۱ اساسنامه، بررسی موضوع «تأیید اتهامات» به این مقوله می‌پردازد که آیا دلایل کافی برای احراز ارتکاب جرم از ناحیه متهم وجود دارد؟ متهم در جلسه تأیید اتهامات، نه تنها حق دارد که اتهامات را رد کند، بلکه حق دارد با اطلاع پیشین از دلایل محرمانه ارائه شده از سوی دادستان علیه وی، آنها را به چالش بکشد و حتی برای رفع اتهام از خود دلایل محرمانه دادستان را کنار بزند و دلایل خویش را جایگزین آنها نماید.

واژگان کلیدی: محاکمه عادلانه؛ افشای دلایل محرمانه؛ اساسنامه رم؛ مرحله تأیید اتهامات؛ دادستان.

مقدمه

در پرونده لوبانگا (Lubanga) گام‌های عملی بلندی در زمینه حمایت از حقوق لوبانگا در برخورداری وی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه برداشته شده است.^۱ پرونده لوبانگا یکی از پرونده‌های پرحاشیه در رابطه با حفظ و توسعه معیارهای دادرسی عادلانه در حق متهم است. حق لوبانگا بر آگاهی از دلایل محرمانه جمع‌آوری شده توسط دادستان دیوان کیفری بین‌المللی (زین پس؛ دادستان) از بایسته‌هایی است که در ماده (۲) ۶۷ اساسنامه رم (زین پس؛ اساسنامه) پیش‌بینی شده است.^۲ لیکن دلایل محرمانه جمع‌آوری شده در پرونده لوبانگا توسط دادستان با محدودیت‌هایی همراه است که در مصاف با محتویات ماده (۲) ۶۷ اساسنامه قرار می‌گیرد. زیرا دادستان در این پرونده برای جمع‌آوری دلایل محرمانه به قراردادهایی متوسل شده است که به موجب ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه معروف به «قراردادهای محرمانه» هستند. دادستان نمی‌تواند به افشای دلایل محرمانه کسب شده از این طریق بپردازد، مگر اینکه طرف‌های قرارداد با ایشان از قبل به این موضوع رضایت داشته باشد.^۳ در این راستا شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی (زین پس؛ شعبه مقدماتی) بر روند افشای دلایل محرمانه از سوی دادستان به متهم نقش نظارتی دارد.

دادستان در پرونده لوبانگا از قراردادهای محرمانه برای دسترسی به دلایلی استفاده کرده بود که نمی‌خواست به استناد آن‌ها دلایل جدیدی را جمع‌آوری کند. سپس این دلایل جدید جمع‌آوری شده را به متهم افشا و مستند کیفرخواست قرار دهد. بلکه دادستان قصد داشت، دلایل به موجب قراردادهای محرمانه را به صورت مستقیم مستند کیفرخواست قرار دهد. در حالی که به موجب ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه چنین اجازه‌ای ندارد. از طرف دیگر، دلایل محرمانه، قابلیت افشا به متهم را نیز نداشتند. زیرا مخبرین در قراردادهای فی مابین، دادستان را از این کار منع کرده بودند. تنش‌های ناشی از این وضعیت زمانی بالا گرفت که معلوم شد، در میان دلایل محرمانه، دلایل با ماهیت

۱. نک: صالحی، ۱۳۹۳: ۵۲-۵۳.

۲. نک: محمدنسل، ۱۳۹۱.

۳. نک: صالحی، ۱۳۹۵: ۱۷۲-۱۷۳.

تبرئه‌کننده نیز وجود دارند و ماده (۲) ۶۷ اساسنامه در چنین وضعیتی حکم می‌کند که ضروری است این دلایل ولو محرمانه، به متهم برای نفی اتهام از خویش افشا شوند. صرف نظر از این افشاگری برای صدور حکم دستگیری متهم در مرحله مقدماتی از این جهت نیز اهمیت دارد که ممکن است متهم به موجب ماده (۲) ۶۰ اساسنامه، متقاضی آزادی موقت تا زمان صدور رأی محکومیت قطعی وی باشد. ماده (۲) ۶۰ اساسنامه تصریح می‌کند که اگر شرایط ماده (۱) ۵۸ اساسنامه برای دستگیری متهم فراهم نباشد، دیوان باید فرد دستگیر شده را به طور موقت یا دائم آزاد کند.^۱

از این رو، وکیل مدافع لوبانگا قبل از شروع جلسه تأیید اتهامات وی اعلام کرد که دلایل محرمانه به موکل وی افشا نشده است. علی‌رغم اینکه شعبه مقدماتی در قرار تأیید اتهامات و در رابطه با افشای دلایل محرمانه به متهم تأیید می‌کند که «... دادستان بارها اعلام کرده است که به وظایف خود عمل کرده است و حجم زیادی از دلایل محرمانه و دلایل لازم برای تدارک دفاع از اتهامات را در اختیار متهم قرار داده است.» (Prosecutor v. Lubanga, 2006: 154) ولی از شرایط حاکم بر پرونده مشخص بود که افشای دلایل صورت نگرفته است. شعبه مقدماتی اعلام کرد، اگر دادستان موفق نشده است که رضایت طرف‌های قرارداد دلایل محرمانه را برای رفع محرمانگی این دلایل به دست آورد، اقدام دادستان در توسل به ماده (e) (۳) ۵۴ اساسنامه باعث بروز اشکالاتی در محاکمه می‌شود.

۱. کما اینکه رویه دیوان کیفری در پرونده بما (Bemba) نشان داد که دلایل توجیه‌کننده صدور حکم دستگیری متهم، ده ماه پس از دستگیری متهم افشا شدند. زمانی که متهم در تقاضای تجدیدنظرخواهی خود برای آزادی مشروط به مخالفت با عدم افشای دلیل از سوی دادستان در این مرحله پرداخت، شعبه تجدیدنظر اظهار داشت که: «به منظور اطمینان از ایجاد زمینه برابری سلاح‌ها و تلافی بودن دعوی، متهم باید در بالاترین میزان ممکن حق دسترسی به مدارک مستند بازداشت خویش را داشته باشد تا به موجب آنها شرایط پرونده برای وی مشخص شود، بهتر است که شخص دستگیر شده به محض حضور در دیوان به کلیه اطلاعات دسترسی پیدا کند... ماهیت و زمان افشای دلایل محرمانه باید به نحوی صورت گیرد که دیوان آن را مشخص کرده است. افشای دلایل محرمانه باید به شکلی باشد که در صورت لزوم اقدامات لازم برای حمایت از قربانیان و شهود به موجب ماده (۱) ۶۸ اساسنامه و ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی [زین پس؛ قانون آیین دادرسی] انجام شده باشد.» (Prosecutor v. Bemba, 16 December 2008: 27)

با این وجود، شعبه مقدماتی دریافت که اولاً: اتهامات با دلایل ارائه شده از سوی دادستان به شعبه مقدماتی تأیید می شود؛ ثانیاً: حتی افشای خلاصه‌ای از دلایل محرمانه به متهم می‌تواند برای تحقق دادرسی عادلانه کافی باشد. با این وجود سه دسته از دلایل شامل: ۱. دلایل موجد صدور حکم دستگیری متهم، ۲. دلایل مؤید اتهام متهم، ۳. دلایل محرمانه نزد دادستان وجود دارند که باید در اختیار شعبه مقدماتی قرار گیرند. در عین حال افشای دلایل محرمانه از طریق دبیرخانه به متهم مشکلات زیادی دربرخواهد داشت. زیرا دادستان در این شرایط به موجب عملکرد ثالث (دبیرخانه) از به اجرا گذاشتن تعهدش در افشای دلایل محرمانه باز می‌ماند. صرف نظر از اینکه این نحوه از ارتباط میان متهم و دادستان ممکن است، موجب ایجاد تأخیرهای غیرمنطقی شود و پیشرفت پرونده را با کندی مواجه سازد. اما دستورالعمل دقیقی برای نحوه افشای این دلایل در اساسنامه و قوانین آیین دادرسی دیوان وجود ندارد و باید به ابتکار قضات دیوان کیفری در تفسیر قوانین موجود با توجه به دستاوردهای حقوق بشری در تحقق دادرسی عادلانه و ایجاد رویه قضایی مطلوب متکی باشیم.

سؤال اصلی این پژوهش به این موضوع می‌پردازد که افشای دلایل محرمانه در مرحله تأیید اتهامات لوبانگو در رویه دیوان کیفری بین‌المللی با چه چالش‌هایی مواجه است؟ فرضیه این پژوهش حاکی از نقش برجسته دبیرخانه دیوان و دادستان دیوان کیفری در همکاری یا عدم همکاری با قضات، متهم و وکلای وی در افشای دلایل محرمانه است. از این رو، در این نوشتار تلاش می‌شود که با مطالعه موردی پرونده لوبانگا در دیوان کیفری به بایسته‌های افشای دلایل محرمانه با رویکردی بر رویه شعب مقدماتی و تجدیدنظر و با در نظر گرفتن تعامل دادستان با شعبه مقدماتی در افشای دلایل محرمانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، تعامل دادستان با شعبه مقدماتی در افشای دلایل محرمانه در مرحله تأیید اتهامات و محاکمه پرداخته شود و سپس نقیصه‌ها و دستاوردهای آن به جامعه حقوقی علاقه‌مند به پرونده‌های دیوان کیفری، تعریف و رعایت استانداردهای حقوق بشری در تحقق معیارهای دادرسی عادلانه ارائه شود.

۱- تعامل دادستان با شعبه مقدماتی در افشای دلایل محرمانه در مرحله

تحقیقات مقدماتی

دادستان در طول تحقیقات درباره جرایم ادعایی لوبانگا با افراد و سازمان‌های دولتی و غیردولتی ارتباط برقرار کرد که آن‌ها منابع اطلاعاتی خوبی را برای اثبات جرایم لوبانگا در اختیار داشتند، ولی از ارائه این اطلاعات به دادستان نگران بودند. (Whiting, 2009: 207) دادستان برای اطمینان آن‌ها از اینکه این دلایل به صورت محرمانه نزد وی باقی می‌ماند و منشاء آن بدون رضایت آن‌ها به هیچ کس افشا نخواهد شد، با آنها قراردادهایی را به طور محرمانه تنظیم کرد که مبنای آن ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه است. دادستان در این شرایط، دلایل توافق شده میان طرفین قرارداد را در اختیار گرفت؛ با این تصور که برای اثبات جرایم متهم دیگر نیازی به جمع‌آوری دیگر دلایل علیه او ندارد.

ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه تصریح دارد که دلایل بدست آمده به موجب قراردادهای محرمانه فقط به این منظور است که به دادستان کمک کند تا بتواند با اتکا به آنان به جمع‌آوری دلایل جدید بپردازد و از دلایل جدید در دادرسی‌ها استفاده کند. بنابر نص صریح ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه، دادستان نمی‌تواند از دلایل اولیه در دادرسی استفاده نماید و دیگر به دنبال کشف دلایل جدید نرود. (Ambos, 2009: 543) ۵۵ درصد از دلایل جمع‌آوری شده در تحقیقات کنگو به موجب ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه صورت گرفته بود که شامل ۸۰۰۰ سند فقط راجع به پرونده لوبانگا بود که طی قراردادهای محرمانه در اختیار دادستان قرار گرفته بود. (Prosecutor v. Lubanga, 21 Oct. 2008: 32) از این رو، دادستان نمی‌توانست این اسناد را به متهم افشای نماید. (Stuart, 2008: 409) زیرا ماده (۲) ۶۷ اساسنامه، دادستان را متعهد به افشای دلایل کسب شده به موجب ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه کرده است. در همین راستا شعبه مقدماتی مقرر داشت که «دادستان کلیه دلایل محرمانه‌ای را که قصد افشای آن‌ها را به متهم دارد، باید در اختیار دبیرخانه دیوان کیفری قرار دهد تا دبیرخانه دیوان زمینه دسترسی وکیل معاضدتی را به هر یک از این دلایل فراهم سازد.» (Prosecutor v. Lubanga, 23 March 2006: 7)

۱-۱- نقش دبیرخانه دیوان کیفری در فرایند افشای دلایل محرمانه و چالش‌های

پیش رو

افشای دلایل میان طرفین (متهم و دادستان) ناشی از مقررات ماده (۲) ۶۷ اساسنامه و ماده ۷۶ قانون آیین دادرسی است. بر این اساس، ارائه دلایل محرمانه به دبیرخانه به موجب تصمیم شعبه مقدماتی برخلاف قوانین دیوان است. زیرا ماده (۲) ۱۲۱(۲) قانون آیین دادرسی از دادستان خواسته است که دلایلی را که قصد استناد به آن‌ها را در جلسه تأیید اتهام دارد، ابتدا به متهم افشا نماید و سپس در اختیار دیوان قرار دهد. دادستان معتقد است که افشای دلایل باید میان طرفین صورت گیرد و این افشا باید متمایز از ارائه دلایل محرمانه از سوی دادستان به شعبه مقدماتی یا دبیرخانه دیوان کیفری باشد. (14) (Prosecutor v. Lubanga, 24 April 2006) از این رو، دادستان الزامی ندارد که دلایل را در اختیار دبیرخانه نیز قرار دهد.

در چنین شرایطی نحوه تبادل دلایل محرمانه میان طرفین به موجب توافق فی مابین است. دبیرخانه نقش «رابط میان دو طرف» را بازی می‌کند که این باعث می‌شود، طرفین نتوانند با یکدیگر به طور مستقیم در تماس باشند و به ناچار از طریق ثالث خواسته‌های خود را دنبال کنند. در چنین شرایطی ممکن است، حتی دبیرخانه به لحاظ عدم اشراف به دلایلی که در اختیار او قرار گرفته است، نتواند فوریت در اطلاع‌رسانی به وی را درک کند و در نهایت این وضعیت منجر به ایجاد نارضایتی از عملکرد دبیرخانه راجع به موضوعاتی شود که از وظایف دادستان است. بنابراین لازم است که دبیرخانه فقط به وظیفه اصلی خود یعنی ثبت و نگهداری سوابق پرونده پس از طی هر مرحله از دادرسی اکتفا کند. مثلاً اینکه یک نسخه از دلایل محرمانه پس از رد و بدل شدن میان طرفین، در اختیار دبیرخانه نیز قرار گیرد تا سوابق دلایل محرمانه در دبیرخانه نیز حفظ شود. علاوه بر این رعایت مهلت ۳۰ و ۱۵ روز مصرح در بندهای (۲)، (۳)، (۴)، (۵) ماده ۱۲۱ قانون آیین دادرسی نیز از الزاماتی است که دادستان باید برای افشای دلایل محرمانه به متهم رعایت کند و اگر قرار باشد که این دلایل محرمانه در اختیار دبیرخانه قرار گیرد و دبیرخانه دلایل محرمانه را به متهم افشا کند، رعایت این مهلت به چه نحو خواهد بود؟ آیا این مهلت برای دادستان نسبت به دبیرخانه، برای دبیرخانه نسبت به متهم یا برای دادستان نسبت به دبیرخانه و دبیرخانه به متهم

است که باید رعایت شود؟ این در حالی است که در حالت عادی افشای دلایل محرمانه از دادستان به متهم و بالعکس، تشریفات افشای دلایل محرمانه بنا به الزام مقررات قانون آیین دادرسی دیوان حداکثر تا ۱۵ روز قبل از شروع جلسه تأیید اتهام به پایان می‌رسد.

۲-۱- حذف دبیرخانه به عنوان واسطه فرایند افشای دلایل محرمانه میان دادستان و لوبانگا

تحت این شرایط شعبه مقدماتی متوجه اشارات ماده (c) ۱۲۱(۲) قانون آیین دادرسی مبنی بر تبادل دلایل «میان طرفین» و نیز تکالیف مصرح در مواد ۶۷(۲) اساسنامه و مواد ۷۶ تا ۷۹ قانون آیین دادرسی است. (Prosecutor v. Lubanga, 15 May 2006: 62) از این منظر تبادل دلایل محرمانه میان طرفین باید قبل از ارائه دلایل محرمانه به شعبه مقدماتی برای ثبت در سوابق دبیرخانه دیوان صورت گیرد. لیکن شعبه مقدماتی استدلال می‌کند که «دیوان نیاز دارد که از حجم دلایل محرمانه و مدارک در اختیار طرفین مطلع شود تا اینکه بتواند به طور دقیق مشخص سازد، چه میزان از افشای دلایل محرمانه کفایت می‌کند. ... بنابراین لازم است که طرفین توافق کنند که به موجب مفاد ماده (c) ۱۲۱(۲) قانون دلایل محرمانه خاصی را برای ثبت در سوابق پرونده به اطلاع شعبه مقدماتی نیز برسانند.» (Prosecutor v. Lubanga, 15 May 2006: 33) از این حیث ارائه دلایل محرمانه در سوابق پرونده دو فایده را در بر دارد: اول اینکه قربانیان پرونده را مشرف بر اعمال حقوق خود در جلسه تأیید اتهام قرار می‌دهد؛ زیرا آن‌ها قبلاً به دلایل مقرر برای جلسه دادگاه دسترسی پیدا می‌کنند. دوم اینکه اطمینان خاطر وجود دارد که فرصت کم مرحله افشای دلیل قبل از شروع جلسه تأیید اتهام به حقوق طرفین صدمه نمی‌زند؛ زیرا طرفین به دلایل ثبت شده در سوابق پرونده به طور یکجا دسترسی پیدا می‌کنند.^۱ فلسفه افشای دلیل حکم می‌کند که حقوق متهم در برخورداری از دادرسی عادلانه برای آمادگی در جلسه تأیید اتهام تأمین شود. شعبه مقدماتی نیز موافق تأمین این هدف با تبادل دلیل میان طرفین است. تحت این شرایط متهم در اولین فرصت ممکن قبل از شروع جلسه تأیید اتهام از اتهامات خود مطلع می‌شود و تصمیم می‌گیرد که به کدام دلایل محرمانه در جلسه تأیید اتهام استناد کند.

۱. نک: ماده (ج) ۱۲۱(۲) قانون آیین دادرسی.

با این اوصاف شعبه مقدماتی، افشای دلیل از طریق دبیرخانه را در تعارض با محتویات اساسنامه، قانون آیین دادرسی و آیین‌نامه دیوان راجع به تأیید اتهام نمی‌داند. از این حیث لازم است، دلایل محرمانه مشمول افشا در سوابق پرونده متهم ثبت شوند تا اینکه کلیه دلایل محرمانه و مدارک برای شعبه مقدماتی قابل دسترسی باشد و در جلسه تأیید اتهام مورد بررسی قرار گیرند. با این وجود تبادل دلیل میان طرفین به این معنا نخواهد بود که دبیرخانه هیچ نقش مؤثری در این فرایند برعهده نگیرد. زیرا دبیرخانه موظف است، به هنگام ارائه این دلایل محرمانه از سوی هر یک از طرفین یا به موجب مقررات مواد (۲) ۱۲۱ و (۱) ۱۲۲ قانون آیین دادرسی به ثبت این دلایل محرمانه در سوابق پرونده بپردازد. در حالی که رابطه حاکم بر افشای دلایل به متهم و اطلاع رسانی به قضات شعبه مقدماتی حکم می‌کند که هر جزء از دلایل محرمانه افشا شده در اولین فرصت ممکن پس از تبادل میان طرفین در سوابق پرونده نیز ثبت شوند. (Prosecutor v. Lubanga, 15 May 2006: 101)

با این اوصاف دادستان مهلت ۳۰ روز مقرر در ماده (۳) ۱۲۱ قانون آیین دادرسی را مربوط به «ارائه لیست دلایل محرمانه» می‌داند. بنا به این تفسیر دادستان خود را موظف نمی‌داند که ظرف این مهلت اظهارات شهودی را که می‌خواهد به موجب ماده ۷۶ قانون آیین دادرسی در جلسه تأیید اتهام فرابخواند، نیز در اختیار وکیل مدافع لوبانگا قرار دهد. علاوه بر این دادستان تمایل ندارد، اجازه دسترسی وکیل مدافع لوبانگا به هر نوع کتاب، سند، عکس یا اشیای مادی قابل استناد در جلسه تأیید^۱ را بدهد و زمینه اطلاع وکیل مدافع لوبانگا از رئوس اتهامات و دلایل محرمانه استنادی دادستان علیه موکل وی در جلسه تأیید اتهام را فراهم نماید. دادستان معتقد است که مهلت ۱۵ و ۳۰ روز مذکور در مواد (۵)، (۴)، (۳) ۱۲۱ قانون آیین دادرسی فقط مربوط به سند حاوی اتهامات و دلایل محرمانه مؤید آن است و راجع به مقررات ماده ۷۶ و ۷۷ قانون آیین دادرسی کاربرد ندارند. در حالی که ماده (۱) ۶۷ اساسنامه نیز از وقت کافی و امکانات لازم به وکیل مدافع به منظور آماده کردن متهم برای جلسه تأیید اتهام صحبت به میان آورده است. با این وجود دادستان فقط در صورتی به تبادل دلایل محرمانه با وکیل مدافع لوبانگا می‌پردازد که وکیل به طور کامل به وی اعلام کند که برای آمادگی در جلسه تأیید اتهام به چه

۱. نک: ماده ۷۷ قانون آیین دادرسی.

مواردی نیاز دارد. (Prosecutor v. Lubanga, 15 May 2006: 102) اما قضات دیوان این استدلال دادستان را نمی‌پذیرند و تصریح می‌کنند که «... وکیل مدافع باید در همان مهلت‌های قانونی از امکان بررسی مدارک در اختیار دادستان به منظور آگاهی از اتهامات و دلایل مؤید آن برخوردار شود.» (Prosecutor v. Lubanga, 15 May 2006: 103)

۲- تعامل دادستان با شعبه مقدماتی در افشای دلایل محرمانه در مرحله تأیید اتهامات و محاکمه

قضات شعبه مقدماتی معتقدند که لوبانگا می‌تواند بر اساس مقررات ماده ۷۷ قانون آیین دادرسی به دلایل و مدارک در کنترل یا اختیار دادستان دسترسی پیدا کند. (Prosecutor v. Lubanga, 15 May 2006: 7) با همین شرایط دادستان نیز می‌تواند به موجب ماده ۷۸ قانون آیین دادرسی به دلایل مورد استناد متهم در جلسه تأیید اتهام دسترسی پیدا کند. از این رو، ضروری است که رفع محرمانگی اطلاعاتی که در رابطه با پرونده لوبانگا در اختیار دادستان قرار گرفته‌اند، طبق برنامه زمان‌بندی مقرر از سوی دیوان کیفری (Prosecutor v. Lubanga, 9 November 2007: 19) صورت گیرد تا زمینه دادرسی عادلانه بدون تأخیر فراهم شود.

لیکن دادستان بر این باور است که ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه، متضمن محرمانگی دلایل است، مگر اینکه مخبرین آن اجازه افشای دلایل محرمانه را بدهند. (Prosecutor v. Lubanga, 7 April 2008: 7) زیرا بسیاری از مخبرین نمی‌خواهند همکاری آنها با مقامات قضایی علنی شود. (Ambos, 2009: 567) علی‌رغم مقتضیات ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه که قراردادهای محرمانه باید فقط برای کسب دلایل جدید به کار گرفته شوند، دادستان ادعا می‌کند دلیلی که در دادرسی به آن استناد می‌شود، باید تحت شرایط مقررات ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه حاصل شود. کما اینکه مقررات ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی نیز اجازه می‌دهد که دلایل حاصل شده به موجب مقررات ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه به عنوان دلایل اثبات جرم به دیوان کیفری معرفی شوند.

دادستان در دفاع از قراردادهای محرمانه اظهار می‌دارد که او ناچار است، اطلاعات کسب شده را برای حمایت از مخبرین در شرایط کاری فوق‌العاده سخت آن‌ها به صورت محرمانه

نگه دارد. (Prosecutor v. Lubanga, 1 October 2007: 84) شرایط کاری مخبرین با شرایط کاری دادسرا و دیوان کیفری متفاوت است. اگر دادستان واقعیت‌های کاری مخبرین و کارکنان سازمان ملل متحد را نپذیرد، آن‌ها حاضر به ادامه همکاری با دادسرا نیستند و «گزینه دیگری هم برای ادامه جمع‌آوری دلایل مجرمانه علیه لوبانگا وجود ندارد.» (Prosecutor v. Lubanga, 1 October 2007: 86) در عین حال که این امکان نیز برای دادستان وجود ندارد که قبل از جمع‌آوری دلایل در رابطه با موضوعات خاص با مخبرین و کارکنان سازمان ملل متحد به چانه زنی پرداخت و بناچار باید این مسائل را به مراحل بعدی تحقیقات موکول کرد. ضمن اینکه نمی‌توان در منطقه کنگو بدون اطلاعات جمع‌آوری شده توسط سازمان ملل متحد به موجب قراردادهای مجرمانه، تحقیقاتی را آغاز کرد و به پیش برد.

از منظر دادستان مقررات ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه راجع به قراردادهای مجرمانه محدود به کسب دلیل فقط به منظور جمع‌آوری دلایل جدید احتمالی در آینده نیستند (Prosecutor v. Lubanga, 1 October 2007: 4) زیرا کارکنان سازمان ملل متحد به موجب این قراردادها، مجموعه‌ای از دلایل مجرمانه را در اختیار وی قرار داده‌اند که دادستان مجاز است، تعدادی از این دلایل را به عنوان دلیل مورد استفاده در محاکمه و تعدادی را به عنوان دلیل جهت دهنده در دستور کار خود قرار دهد. ضمن اینکه این اختیار با دادستان است که پس از در اختیار گرفتن دلایل مجرمانه مشخص کند که کدام یک از دلایل را به عنوان دلیل در محاکمه مورد استفاده قرار می‌دهد.

۲-۱- چالش افشای دلایل مجرمانه در مرحله محاکمه متهم

اگر شعبه بدوی محاکمه متهم را با علم به اینکه حق آمادگی وی در دفاع از اتهامات خویش نقض شده است، شروع کند، قانونی بودن دادرسی با تردیدهایی جدی مواجه است. ماده (۳) ۶۹ اساسنامه برای جلوگیری از احتمال عدم ارائه دلایل مجرمانه از سوی دادستان به محضر قضات دیوان کیفری تصریح کرده است که «... قضات دیوان می‌توانند از دادستان بخواهند کلیه ادله لازم برای تشخیص واقعیت را ارائه نمایند.» بدیهی است که مقررات ماده (۳) ۶۹ اساسنامه با عدم ارائه دلایل مجرمانه از سوی دادستان به دیوان کیفری نقض شده است. در حالی که در اولین جلسه رسیدگی علنی به اتهامات لوبانگا از دادستان خواسته شده

است که به تکالیف قانونی خود در رابطه با افشای دلایل محرمانه و دلایل ضروری برای تدارک دفاع متهم از خود بپردازد. (Prosecutor v. Lubanga, 1 October 2007: 13) قضات دیوان به استناد ماده (c)(۳) ۶۴ اساسنامه، قبل از شروع دادرسی ملزم هستند اطمینان حاصل نمایند که دلایل محرمانه با رعایت مهلت متناسب به متهم افشا شده باشند، به نحوی که وی بتواند خود را برای دفاع از اتهامات آماده کند.

دادستان اگرچه اذعان می‌کند که اسناد زیادی تحت شرایط محرمانگی به موجب ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه در اختیار وی قرار گرفته است، اما او بدون کسب رضایت قبلی مخبرین این دلایل، نمی‌تواند به افشای آن‌ها بپردازد. دادستان تشریح می‌کند که مدارک مذکور را عمدتاً از طریق سازمان ملل متحد به دست آورده است و در تلاش است که رضایت این سازمان را برای کسب مجوز افشای دلایل محرمانه به متهم جلب کند و دلایل را در اختیار متهم قرار دهد. اما سازمان ملل متحد و دیگر مخبرین به صراحت اعلام کردند که دادستان مجاز به افشای دلایل نیست. (Prosecutor v. Lubanga, 1 October 2007: 19)

۲-۲- برگزاری جلسات دادرسی با حضور دادستان برای افشای دلایل محرمانه

دادستان در جلسه دادرسی بدون حضور متهم استدلال کرد که ماده (۳) ۱۸ قرارداد همکاری میان دیوان و سازمان ملل متحد (زین پس؛ قرارداد همکاری) ممضی مجمع دولت‌های عضو به وی اجازه افشای دلایل محرمانه را حتی به هر ارگان دیگر سازمان ملل متحد بدون اجازه مجمع دولت‌های عضو سازمان ملل متحد نمی‌دهد. (Prosecutor v. Lubanga, 6 May 2008: 2) کما اینکه از منظر دادستان عبارات این قرارداد الزاماً منعکس کننده چیزی نیست که ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه قصد پوشش و رفع خلاء از آن را داشته باشد. (Prosecutor v. Lubanga, 1 October 2007: 83) ولی قضات دیوان در واکنش به این تفاسیر دادستان اعلام کردند که لازم است اتهاماتی پس گرفته شوند که در رابطه با آن دلایل محرمانه‌ای وجود دارند که دادستان نمی‌تواند آن‌ها را افشا کند. (Prosecutor v. Lubanga, 9 November 2007: 28) «پس گرفتن اتهامات» از منظر قضات دیوان یک روش ساده در واکنش به ناتوانی دادستان در افشای دلایل محرمانه به متهم است. زیرا ماده (۲) ۶۷ اساسنامه از دادستان می‌خواهد که «... به محض فراهم شدن امکانات، مستندات در اختیار یا تحت کنترلش را که مبین بی‌گناهی

متهم است و یا مجرمیت وی را تخفیف می‌دهد، یا بر اعتبار مستندات بازجویی تأثیر می‌گذارد، به متهم ارائه دهد.» دادستان با پس گرفتن اتهامات، دیگر لازم نیست، هیچ اقدام دیگری برای برطرف شدن خلاء ناشی از عدم افشای دلایل محرمانه انجام دهد، اما دادستان به دیوان اعلام کرد که در تلاش است که رضایت مخبرین را جلب کند و نشانه‌هایی مثبت در این راستا وجود دارد.

از این رو، قضات دیوان یک بار دیگر از دادستان خواستند که قبل از شروع دادرسی به افشای کامل دلایل محرمانه بپردازد. (Prosecutor v. Lubanga, 13 December 2007) علاوه بر این دادستان را مکلف کردند که افشای دلایل محرمانه را به محض فراهم شدن امکانات حتی در طول محاکمه نیز ادامه دهد. (Prosecutor v. Lubanga, 12 March 2008: 4) و (Prosecutor v. Lubanga, 9 November 2007: 25) در همین راستا قضات دیوان از دادستان خواستند که گزارشی درباره تعداد اسناد محرمانه قابل افشای به متهم با رضایت مخبرین ارائه کند. (Prosecutor v. Lubanga, 13 March 2008: 8) دادستان در پاسخ اعلام کرد که ۲۰۶ سند وجود دارد (Prosecutor v. Lubanga, 7 April 2008: 5) که سازمان ملل متحد نسبت به افشای ۱۸۱ مورد آن قطعاً رضایت ندارد و نسبت به افشای مابقی آن‌ها هنوز هیچ پاسخ روشنی نداده است. (Prosecutor v. Lubanga, 28 March 2008: 7)

تحت این شرایط قضات دیوان از دادستان خواستند، در جلسه‌ای بدون حضور متهم به افشای دلایل محرمانه بپردازد (Prosecutor v. Lubanga, 3 April 2008: 111) ولی دادستان به دلیل عدم رضایت سازمان ملل متحد به افشای مدارک حتی به دیوان نیز، نتوانست به این درخواست پاسخ مثبت دهد. (Prosecutor v. Lubanga, 15 April 2008: 123) دیوان متعاقب این موضوع اطمینان داد که دلایل محرمانه را به متهم یا هر شخص دیگر افشا نخواهد کرد. (Prosecutor v. Lubanga, 6 May 2008: 35) با این‌همه هیچ پاسخ روشنی از سوی دادستان به این رویکرد دیوان صورت نگرفت. (Prosecutor v. Lubanga, 2 June 2008: 112) سازمان ملل متحد به صراحت افشای اسناد محرمانه را به متهم و دیوان نپذیرفت. در عین حال دیوان هم نتوانست بر اساس اختیارات ناشی از مواد اساسنامه به بررسی دلایل امتناع سازمان ملل متحد بپردازد.

رویکرد دادستان نشان داد، قدر متیقن دلایل محرمانه‌ای وجود دارد که دادستان از آن‌ها مطلع شده است و آن‌ها را به متهم افشا نمی‌کند.^۱ دلایل تبرئه کننده تأثیرگذار بر مجرمیت یا بی‌گناهی متهم مذکور در ماده (۳) ۶۷ اساسنامه، شامل دلایلی است که اثبات می‌کند، متهم در مقام دفاع از خود، تحت شرایط اجبار و اکراه و نداشتن کنترل کافی بر نیروهای تحت امر خود بوده است که ادعا شده است، جرایم ارتكابی آن‌ها متوجه لوبانگا است. مقررات ماده (e) (۳) ۵۴ اساسنامه نشان می‌دهد که دادستان به عنوان طرف قرارداد محرمانه و شروط ضمن آن، محدود به کسب «دلایل جهت دهنده» (Prosecutor v. Lubanga, 2 June 2008: 71) است. این دلایل به معنای اطلاعاتی است که دادستان را در اثر تحقیقات آتی از وجود دیگر دلایل جدید آگاه می‌سازد. فلسفه جمع‌آوری دلایل جهت دهنده، رسیدن به دیگر دلایل قابل استناد در دادرسی است. بنابراین در اختیار گرفتن دلایل جهت دهنده برای استناد در جلسات دادرسی، بدون طی کردن تحقیقات جدید اقدامی فراتر از مقررات اساسنامه است. این در حالی است که دادستان دلایل جهت دهنده را به منظور استناد در دادرسی و نه برای جمع‌آوری دیگر دلایل در اختیار گرفته است. این رویکرد دادستان باعث شد که دیوان اعلام کند که: «... دادستان از دلایلی که به صورت محرمانه و تحت شرایط خاص در اختیار وی قرار گرفته است، سوء استفاده کرده است. ولو اینکه منطق دادستان در این موضع‌گیری استناد به قراردادهای محرمانه مذکور در ماده (e) (۳) ۵۴ اساسنامه باشد.» (Prosecutor v. Lubanga, 2 June 2008: 73) قضات دیوان اعلام کردند، دادستان از مفاد ماده (e) (۳) ۵۴ اساسنامه و شرایط محرمانگی آن تخلفی کرده است. (Prosecutor v. Lubanga, 2 June 2008: 74) زیرا حق افشای دلایل محرمانه از حقوق اساسی متهم است و با انکار آن زمینه دادرسی عادلانه ناممکن می‌شود.

۲-۳- توقف دادرسی به دلیل نقض حقوق اساسی متهم و منتفی شدن الزامات دادرسی عادلانه

نقض حقوق اساسی متهم و ارتباط آن با از بین رفتن زمینه دادرسی عادلانه از موضوعاتی است که سابقاً یک مرتبه از سوی شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری تصریح شده

۱ نک: فاخری و صالحی، ۱۳۹۳: ۱۹۰-۱۹۲.

بود. در این رأی بنا به عقیده شعبه تجدیدنظر در زمان مخدوش شدن معیارهای دادرسی عادلانه، شعبه رسیدگی کننده به اتهامات صلاحیت توقف دادرسی را دارد. بر این اساس دادستان دیوان کیفری درک نادرستی از مقررات ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه ارائه کرده است که به موجب این درک غلط، موانعی بر سر راه اجرای وظایفش در افشای دلایل محرمانه به وجود آمده است. اگر در چنین شرایطی زمینه دادرسی عادلانه محقق نشود، قضات رسیدگی کننده به پرونده می‌توانند واکنش نشان دهند. از این حیث «... در فضایی که نقض حقوق متهم به اندازه‌ای باشد که متهم نتواند در چارچوب حقوق خود به دفاع از اتهامات بپردازد، دادرسی عادلانه وجود ندارد و این روند باید متوقف شود.» (Prosecutor v. Lubanga, 14 December 2006: 39) صرف نظر از اینکه ماده (۱) ۶۷ اساسنامه، محاکمه بدون تأخیر را از حقوق اساسی متهم شناسایی کرده است. بنا بر این تفسیر نیز نقض دیگر حقوق متهم در برخورداری از محاکمه بدون تأخیر از موجبات شناسایی شده صدور رأی توقف دادرسی است. زیرا ماده (۲) ۶۴ اساسنامه نیز موکداً از شعبه رسیدگی کننده به اتهامات خواسته است تا مراقبت کند که محاکمه به نحو مطلوب و سریع، با رعایت کامل حقوق متهم انجام شود.

در این شرایط قضات دیوان نتیجه می‌گیرند که دادستان نه قصد افشای اطلاعات محرمانه تبرئه کننده به وکیل مدافع را دارد، نه آنها را برای بررسی و تعیین نوع اطلاعات در اختیار قضات دیوان قرار می‌دهد و نه هیچ کدام از پیشنهادهاى قضات دیوان را به اجرا می‌گذارد. (Prosecutor v. Lubanga, 9 November 2007: 7) در حالی که دادستان متعهد است از لحظه در اختیار گرفتن دلایل به افشای آنها بپردازد تا زمینه دادرسی عادلانه بدون تأخیر فراهم باشد. از این حیث دادستان از ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه، سوء استفاده کرده است. سوء استفاده دادستان باعث شده است که دیوان در وضعیتی قرار گیرد که زمینه دادرسی عادلانه فراهم نباشد. دادستان ضمن تقاضای شروع مجدد دادرسی اعلام می‌کند که ۲۰۴ سند به موجب شرایط ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه در اختیار وی قرار گرفته است که ۱۵۲ سند آن از طریق سازمان ملل متحد می‌باشند. دادستان اشاره می‌کند که نصف این اسناد را بدون هیچ پیش شرطی و نصف دیگر آن را بطور خلاصه پس از دخل و تصرف در اختیار دیوان قرار می‌دهد. اما این اقدام در صورتی انجام می‌شود که دیوان

بتواند رضایت مکتوب سازمان ملل متحد را جلب نماید و این مدارک را به وکیل مدافع افشا نکند، مگر اینکه قبل از آن رضایتنامه دیگری را از سازمان ملل متحد اخذ کرده باشد. (Prosecutor v. Lubanga, 3 September 2008: 6) اما دیوان این طرح دادستان را به دلیل نقایص آن از جمله نادیده انگاشتن صلاحیت دیوان در تصمیم‌گیری برای افشای دلایل محرمانه یا عدم افشای آن رد می‌کند. (Prosecutor v. Lubanga, 2 June 2008: 39)

در نتیجه این اقدامات دادستان، هیچ مستندی از ماهیت اطلاعات و مشخصات مخبرین در اختیار وکیل مدافع و دیوان قرار نمی‌گیرد. از این رو، دیوان اعلام می‌کند که «پرونده محاکمه به اندازه‌ای دچار از هم گسیختگی شده است که امکان فراهم شدن عناصر سازنده محاکمه عادلانه وجود ندارد.» (Prosecutor v. Lubanga, 2 June 2008: 93) بنا به عقیده قضات دیوان منشاء مشکلات فعلی تفسیر غلط دادستان از ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه است. (Prosecutor v. Lubanga, 2 June 2008: 73) مقررات ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه، مطابق نظر دیوان فقط برای جمع‌آوری دلایل جدید کاربرد دارد، در حالی که دادستان این تفسیر را به کار نمی‌گیرد و به جای آن متوسل به تفسیری دقیقاً برخلاف تفسیر دیوان یعنی کسب دلیل برای اثبات جرایم در دیوان می‌شود. این تفسیر از ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه منطبق با مفاد ماده و شرایط موجود در این پرونده است. دادستان از اختیارات خود سوء استفاده کرده است که به اتکای ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه به کسب دلایل در پوشش «محرمانگی» پرداخته است. عدم تمایل سازمان ملل متحد بر اعلام رضایت خود بر افشای دلایل محرمانه بارها تکرار شده است. بنابراین دیوان با وضعیت پیچیده‌ای مواجه شده است تا حدی که «پیش شرط‌های اساسی دادرسی عادلانه محقق نیست و هیچ نشانه اطمینان بخشی وجود ندارد که این معضل در آینده حل شود.» (Prosecutor v. Lubanga, 25 July 2008: 65)

نتیجه‌گیری

مطالعه پرونده لوبانگا نشان داد که دادستان با اختیار حاصل از ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه با مخبرین وارد مذاکره و تنظیم قراردادهای محرمانه شده است. اما اتکای دادستان به ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه منجر به نقض تعهدات دادستان بر افشا به استناد مواد (۲) ۶۷

اساسنامه و ۷۷ قانون آیین دادرسی شده است. زیرا دادستان با دو تعهد روبه‌رو است: از یک طرف دادستان باید دلایل در اختیار را افشا نماید و هر دلیل دارای ماهیت تبرئه‌کنندگی را در اختیار وکیل مدافع قرار دهد. در حقیقت افشای دلیل در اختیار یا در کنترل دادستان قبل از تأیید اتهام و در طول دادرسی به متهم و یا وکیل مدافع وی، یکی از مولفه‌های دادرسی عادلانه است. از طرف دیگر دادستان باید به مفاد قراردادهای محرمانه خویش با مخبرین پایبند بماند. دادستان در قراردادهای محرمانه قبول کرده است که بدون اجازه طرف دیگر قرارداد به افشای دلایل در اختیار به موجب این قراردادها اقدام نکند. زیرا افشای دلایل خطر افشای هویت مخبرین را در بر دارد. دادستان تکلیف دارد تا از امنیت مخبرین حمایت کند تا اینکه ادامه همکاری آتی آنها با دادسرا در معرض خطر قرار نگیرد.

اما این وضعیت مانع از این نیست که دادستان با استناد به ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه هم متوجه تعهداتش باشد و هم مقررات اساسنامه را طوری به اجرا بگذارد که قضات دیوان بتوانند تنش‌های احتمالی میان محرمانگی مدنظر دادستان و الزامات دادرسی عادلانه متوجه متهم را حل نمایند. ارزیابی تحقق زمینه دادرسی عادلانه به موجب ماده (۲) ۶۷ اساسنامه برعهده دیوان قرار گرفته است. اعطای این صلاحیت به دیوان نشان می‌دهد که ارزیابی نهایی دلایل محرمانه در اختیار یا کنترل دادستان برای افشا به متهم برعهده قضات دیوان است. بدیهی است که برای اعمال این صلاحیت باید دلایل محرمانه پیشاپیش در اختیار قضات دیوان قرار گرفته باشند. صرف نظر از اینکه مقررات ماده ۵۴ اساسنامه، دادستان را متعهد ساخته است که در رابطه با وضعیت‌های متهم کننده و تبرئه کننده به طور همزمان تحقیقات خود را پیش ببرد. دادستان در مواجهه با وضعیت‌های تبرئه‌کننده دو راه در پیش دارد: ۱. تشخیص دهد که متهم به احتمال زیاد تبرئه خواهد شد و در مواردی که رأساً اقدام به تحقیق کرده است، دیگر پرونده را پیگیری نکند؛ ۲. تشخیص دهد که درجه‌ای از مسئولیت متهم وجود دارد و به بررسی‌های خود ادامه دهد در حالی که کلیه دلایل تبرئه کننده را نیز برای ارائه به متهم جمع‌آوری کند.

مسئله افشای دلایل به متهم مطابق مقررات اساسنامه و قانون آیین دادرسی صورت می‌گیرد. بر اساس مقررات ماده (۲) ۶۷ اساسنامه مرجع تصمیم‌گیری افشا یا عدم افشای

دلایل به متهم در موارد تردید با دیوان کیفری است. پیش بردن محاکمه‌ای که متهم آن به دلایل محرمانه موجب اتهامات خویش دسترسی نیافته است، برخلاف مقررات اساسنامه و دستاوردهای حقوق بشری در رعایت الزامات دادرسی عادلانه است. حتی در مضیق‌ترین حالت توسل به ماده (۳) ۵۴ اساسنامه، می‌توان امید داشت که متهم با اطلاع از دلایل کشف شده جدید با توسل به دلایل غیرقابل افشا به موجب قراردادهای محرمانه، متوجه اتهامات خویش شود. خصوصیت محرمانه اطلاعات کسب شده به موجب مقررات ماده (۳) ۵۴ اساسنامه نباید به ضرر متهم تمام شود. اگرچه متهم نیاز ندارد که بداند دادستان چگونه دلایل علیه وی را کسب کرده است، ولی باید اطلاعاتی درباره حقوق خویش مطابق با استانداردهای دادرسی عادلانه داشته باشد تا از ضایع شدن آن‌ها جلوگیری شود. متهم تحت این شرایط است که متوجه می‌شود، چه پرونده‌ای علیه او در جریان است و چه دلیلی علیه وی به کار گرفته شده است تا اینکه بتواند نقیض این دلایل را ارائه کند و آن‌ها را به چالش بکشد تا از قبل آن، از اتهامات رهایی یابد.

علاوه بر این دادستان در رعایت و تفسیر مسائل مربوط به آیین دادرسی در پرونده‌های پیش روی دیوان کیفری دارای مسئولیت مضاعف است. اول اینکه تفسیر و استناد دادستان به ماده (e) (۳) ۵۴ اساسنامه نه تنها کامل نیست، بلکه با روح مقررات در تعارض است. دادستان با استناد به این ماده می‌خواهد نسبت به جمع‌آوری دلیل برای بهره‌برداری در محاکمه و نه به عنوان ابزاری برای تحقیقات بیشتر و کشف دلایل جدید اقدام نماید. دوم اینکه دادستان با تنظیم قراردادهای محرمانه از حدود اختیارات خود خارج شده است. زیرا دادستان با فرض اینکه نباید با وکیل مدافع همکاری داشته باشد، از افشای اطلاعات خودداری کرده است. در حالی که تصمیم‌گیری درباره مفید بودن دلایل به حال متهم از اختیارات دادستان نیست و بنا به دلایل پیش گفته، برعهده دیوان قرار گرفته است.

با این اوصاف استفاده از مقررات ماده (e) (۳) ۵۴ اساسنامه، نباید منجر به نقض تعهدات دادستان در رابطه با متهم شود. ماده (e) (۳) ۵۴ اساسنامه به صراحت از دادستان می‌خواهد که حقوق متهم را به صورت کامل رعایت کند. مقررات ماده (e) (۳) ۵۴ اساسنامه به نحوی طراحی شده است که به دادستان فقط اجازه می‌دهد که تحت شرایط استثنایی و به منظور کسب دلایل جدید، به قراردادهای محرمانه متوسل شود، ولی دادستان در پرونده لوبانگا به

نحو عادی وارد قراردادهای محرمانه شده است و در جمع‌آوری دلایل جهت دهنده و غیر آن به نحو یکسان عمل کرده است. دادستان در نتیجه تفسیر موسع و غلط از ماده (۳) ۵۴ اساسنامه دلایلی را در قالب قراردادهای محرمانه در اختیار گرفته است که شامل دلایل متهم‌کننده و تبرئه‌کننده زیادی است که قادر به افشای آن‌ها نیست. حال آنکه دادستان در فرایند تحقیقات انجام شده، نسبت به جرایم ادعایی نباید به شهود بر محرمانه ماندن دلایل قول مساعد دهد. برخی از مخبرین به لحاظ وظایف سازمانی در مناطق درگیری فعالیت می‌کنند و ممکن است که به خاطر ترس از به خطر افتادن امنیت کارکنانشان در این زمینه با تحقیق‌کنندگان همکاری نکنند. ولی برخی دیگر از مخبرین ممکن است حتی با این شرایط، اطلاعات را در اختیار دادستانی قرار دهند. در تحقیقات کیفری بین‌المللی همیشه نوعی خطر ذاتی وجود دارد که شهود احتمالی را از همکاری با دادرسی باز می‌دارد. در عین حال فرار فرد مرتکب جرایم شدید از عدالت کیفری به دلیل فقدان شهود به مراتب بهتر از تحمیل مجازات به وی با توسل به دلایل مخفیانه غیرقانونی و زیرپا گذاشتن استانداردهای اساسنامه و رویه دیوان کیفری است.

منابع

الف - فارسی

۱. صالحی، جواد (۱۳۹۴)، «بایسته‌ها و چالش‌های افشای دلایل؛ جلوه‌ای از حقوق دفاعی متهم در اساسنامه دیوان»، *مجله پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۴۸، صص ۴۷-۶۸.
۲. صالحی، جواد (۱۳۹۵)، «حمایت از امنیت مخبرین در رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی؛ استثنایی بر جرم علیه عدالت کیفری یا سوءرفتار نزد دیوان»، *مجله حقوق تطبیقی*، شماره ۱۰۵، صص ۱۸۶-۱۶۹.
۳. فاخری، نریمان و جواد صالحی (۱۳۹۳)، «رویه شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی در اصلاح اتهامات لوبانگو: از هماهنگی تا تعارض میان آیین‌نامه دیوان با اساسنامه رُم»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۱، صص ۲۰۴-۱۸۳.
۴. محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۱)، *مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری*، تهران: انتشارات دادگستر، چاپ دوم.

ب - لاتین

5. Ambos, Kai (2009). "Confidential Investigations (Article 54(3)(e) ICC Statute) vs. Disclosure Obligations: The Lubanga Case and National Law", *New Criminal Law Review*, Vol. 12, pp. 543-568.
6. Stuart, H. V. (2008). "the ICC in Trouble", *Journal of International Criminal Justice*, Vol.6, No.3, pp.409-417,
7. Whiting, Alex (2009). "Lead Evidence and Discovery before the International Criminal Court: The Lubanga Case", *Journal of International Law and Foreign Affairs*, No.207, pp.207-233.

ج - اسناد

8. Prosecutor v. Bemba, *Decision on application for Interim Release*, Case No. ICC-01/05-01/08-323, 16 December 2008.
9. Prosecutor v. Lubanga, *Decision Requesting Observations concerning Article 54(3)(e) Documents Identifies as Potentially Exculpatory of Otherwise Material for the Defence's Preparation for the Confirmation Hearing*, Case No. ICC-01/04-01/06-102, 15 May 2006.
10. Prosecutor v. Lubanga, *Judgment on Appeal of Disclosure Decision*, Case No. ICC-01/04-01/06-1486, 21 Oct. 2008.
11. Prosecutor v. Lubanga, *Transcript of Hearing*, Case No. ICC-01/04-01/06-54, 23 March 2006.
12. Prosecutor v. Lubanga, *Transcript of Hearing*, Case No. ICC-01/04-01/06- T-4 EN, 24 April 2006.

13. Prosecutor v. Lubanga, *Decision on the Final System of Disclosure and the Establishment of a timetable*, Case No. ICC-01/04-01/06-102 Annex I, 15 May 2006.
14. Prosecutor v. Lubanga, *Decision Regarding the Timing and Manner of Disclosure and date of Trial*, Case No. ICC-01/04-01/06-1019, 9 November 2007.
15. Prosecutor v. Lubanga, *Prosecution's submission on Article 54(3)(e) confidentiality agreements*, Case No. ICC-01/04-01/06-1267, 7 April 2008.
16. Prosecutor v. Lubanga, *Transcript of the status conference*, Case No. ICC-01/04-01/06-T-65-ENG, 13 December 2007.
17. Prosecutor v. Lubanga, *Transcript of the status conference*, Case No. ICC-01/04-01/06-T-78-ENG, 12 March 2008.
18. Prosecutor v. Lubanga, *Transcript of the status conference*, Case No. ICC-01/04-01/06-T-79-ENG, 13 March 2008.
19. Prosecutor v. Lubanga, *Prosecution's submission on Article 54(3)(e) confidentiality agreements*, Case No. ICC-01/04-01/06-1267, 7 April 2008.
20. Prosecutor v. Lubanga, *Prosecution's submission on undisclosed documents containing potentially exculpatory information*, Case No. ICC-01/04-01/06-1248, 28 March 2008.
21. Prosecutor v. Lubanga, *Order on the 'Prosecution's submission on undisclosed documents containing potentially exculpatory information*, Case No. ICC-01/04-01/06-1259, 3 April 2008.
22. Prosecutor v. Lubanga, *Prosecution's additional information on the Undisclosed Evidence*, Case No. ICC-01/04-01/06-1281, 15 April 2008.
23. Prosecutor v. Lubanga, *Transcript of the status conference*, Case No. ICC-01/04-01/06-T-86-ENG, 6 May 2008.
24. Prosecutor v. Lubanga, *Prosecution's information on documents that were obtained by the Office of the Prosecutor from the United Nations pursuant to Article 54(3)(e) on the condition of confidentiality and solely for the purpose of generating new evidence and that potentially contain evidence that falls under Article 67(2)*, Case No. ICC-01/04-01/06-1364, 2 June 2008.
25. Prosecutor v. Lubanga, *Judgment on the Appeal of Lubanga against the Decision on the Defence Challenge to the Jurisdiction of the Court pursuant to article 19(2)(a) of the Statute of 3 October 2006*, Case No. ICC-01/04-01/06-772, 14 December 2006.
26. Prosecutor v. Lubanga, *Redacted Version of 'Decision on the prosecution's Application to Lift the stay of Proceedings'*, Case No. ICC-01/04-01/06, 3 September 2008.
27. Prosecutor v. Lubanga, *Réponse de la Défense au mémoire déposé par le Procureur au soutien de son appel contre la Décision du 13 juin 2008 ordonnant la suspension des procédures*, Case No. ICC-01/04-01/06-1447, 25 July 2008.